

Original Article

Comparative Study of Child and Adolescent Protection Law's against Pornography and Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child

Javad Nikbakhti¹, Gholamreza Mohammad Nasl^{2*}, Behrooz Golpayegani³

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Faculty Member (Responsible Writer), Amin Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: g_mnasl@yahoo.com

3. Assistant Professor, Faculty Member of Central Tehran, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 19 Dec 2019 Accepted: 2 Mar 2020

Abstract

Child pornography is one of the instances of sexual exploitation against this vulnerable group that, despite numerous international instruments, has become so widespread that no place in the world is safe from this problem. In 2000, the Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child, with the aim of universalizing criminalization of pornography, was ratified by significant countries such as Iran. In light of the effects of this accession and alignment with the international community, the House of Representatives approved the Law on the Protection of Children and Adolescent in 1399. The present study, which analyzes the data collected using the library tool, seeks to answer the question of whether the law is compatible with the Optional Protocol. Given the continuation of the law's Mutual approach to victimization and criminalization child pornography with adolescent consent, the result implies a complete noncompliance with the protocol that calls for governments to change their attitude toward absolute child victimization.

Keywords: Child Pornography; Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child; Children and Adolescent Protection Law

Please cite this article as: Nikbakhti J, Mohammad Nasl GH-R, Golpayegani B. Comparative Study of Child and Adolescent Protection Law's against Pornography and Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2020; 115-131.*

بررسی تطبیقی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در برابر هرزه‌نگاری و پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک

جواد نیکبختی^۱، غلامرضا محمدنسل^{۲*}، بهروز گلپایگانی^۳

۱. دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار، عضو هیأت‌علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: g_mnasl@yahoo.com

۳. استادیار، عضو هیأت‌علمی تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

چکیده

هرزه‌نگاری کودک یکی از مصادیق استثمار جنسی علیه این گروه آسیب‌پذیر است که با وجود اسناد بین‌المللی متعدد، از چنان وسعتی برخوردار شده که هیچ نقطه جهان از این معضل ایمن نیست. در سال ۲۰۰۰ پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک با هدف جرم‌انگاری جهانی هرزه‌نگاری به تصویب قابل توجه کشورهای دنیا مانند ایران رسید. با توجه به آثار این الحاق و همسویی با جامعه جهانی در سال ۱۳۹۹، مجلس، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان را تصویب نمود. پژوهش حاضر که با تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای گردآوری شده درصدد پاسخگویی به میزان مطابقت قانون مذکور با پروتکل الحاقی است. با توجه به استمرار دیدگاه دوسویه این قانون نسبت به بزه‌دیدگی و بزه‌کاری هرزه‌نگاری توأم با رضایت نوجوانان، نتیجه، دلالت بر عدم انطباق کامل با هدف پروتکل که خواستار تغییر نگرش دولت‌ها به بزه‌دیدگی مطلق کودکان است، دارد.

واژگان کلیدی: هرزه‌نگاری کودک؛ پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

مقدمه

کودکان به عنوان گروه انسانی صاحب حقوق که به واسطه خصوصیات جسمی و روانی‌شان، آسیب‌پذیرترین اعضای جامعه هستند، در معرض خطرات اجتماعی زیادی قرار دارند. این گروه به دلایل مختلف در کانون توجه استثمارگران به ویژه در برابر استثمار جنسی اعم از روسپیگری و هرزه‌نگاری بوده و ممکن است برای این مقاصد توسط سوداگران مورد داد و ستد قرار گیرند. در عصر جهانی‌شدن، این معضلات از داخل قلمرو کشورها به عرصه بین‌الملل توسعه و جنبه فرامرزی به خود گرفته، به نحوی که هیچ کشوری و شخصی از آثار مستقیم و غیر مستقیم آن در امان نیست، هرچند برخی، دامنه بزه‌دیدگی رفتارهای مجرمانه فوق را منحصر به کشورهای فقیر و در حال توسعه دانسته‌اند، گسترش استثمار جنسی از انسان‌ها به ویژه کودکان در قالب استفاده از محتویات هرزه‌نگارانه در نقاط مختلف دنیا مشهود است، همین امر منجر به تصویب اسناد بین‌المللی در جهت حمایت از کودکان گردید. در اولین گام، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ به عنوان قانون اساسی جهانی حقوق بشر کودک به حمایت همه‌جانبه از کودک، این انسان صاحب حق، در کلیه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی و... پرداخت، اما این سند که در میان اسناد حقوق بشری فراگیرترین آن‌ها از حیث الحاق دولت‌های عضو جامعه بین‌الملل قلمداد می‌گردد، نه تنها نتوانست دایره جنایات علیه کودکان در سطح جهانی را محو نموده و یا در کاهش آن مؤثر افتد، بلکه پیشرفت تکنولوژی در عصر انفجار اطلاعات موسوم به «دهکده جهانی» منجر به پیچیدگی ارتکاب بسیاری از جرائم، من جمله رفتارهای فوق و افزایش آن گردید که عزم جدی‌تر جهت مبارزه فراگیر و بین‌المللی را می‌طلبید، در همین راستا در سال ۲۰۰۰ سندی به کنوانسیون حقوق کودک موسوم به پروتکل الحاقی در خصوص فروش کودکان، روسپیگری و هرزه‌نگاری کودک (از این پس پروتکل)، ملحق گردید که در آن کشورهای عضو را به جرم‌انگاری آن‌ها و تعیین ضمانت اجرای کیفری و به منظور بی‌کیفرنماندن مرتکبان فرامرزی آن، همکاری بین‌المللی توصیه نمود. دولت ایران با تصویب قانون الحاق به پروتکل مذکور در سال ۱۳۸۶

خود را همسو با این اجماع جهانی در صف مبارزه با این دغدغه فراگیر، با رویکرد اصلاح قوانین موضوعه و اجرای قاطعانه آن، قرار داد.

اگرچه در کشورمان به عنوان جامعه‌ای اخلاقی و مذهبی از ابتدایی‌ترین مصوبات تقنینی که پیشینه آن به قبل از تصویب اسناد بین‌المللی برمی‌گردد، به موضوعات خلاف اخلاق و عفت توجه خاصی مبذول گردیده و مبارزه با رفتارهای انحرافی و جنسی در قالب‌های گوناگون، از جمله هرزه‌نگاری در سیاست کیفری جایگاهی مخصوص داشته است، ولی این نظام از پراکندگی خاصی رنج می‌برد.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ مجلس شورای اسلامی که علی‌رغم عنوان آن، نه تنها در راستای انسجام مقرراتی در خصوص هرزه‌نگاری کودک گام برنداشته، بلکه بر ادامه سلطنت قوانین خاص، مهر تأیید زد که با مراجعه به بعضی، مانند قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز می‌نمایند (از این پس قانون نحوه مجازات) در خصوص بعضی رفتارها مجازاتی پیش‌بینی نشده است. سؤال اصلی این پژوهش، که با هدف بررسی تطبیقی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به عنوان مصوبه‌ای مؤخر بر پروتکل و میزان انطباق با آن ساماندهی گردیده، این است که با توجه به این‌که در اولی، نگاه بزه‌کارانه و بزه‌دیدگی توأمان استمرار یافته و در دومی (پروتکل) با دیدگاه بزه‌دیدگی مطلق نسبت به کودکان نگریسته شده، فلسفه الحاق به این سند مهم بین‌المللی حقوق بشر کودک محقق گردیده است یا خیر. روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌های متنی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای مانند فیش‌برداری از کتب مرتبط موجود، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌ها اعم از داخلی و خارجی و بازدید از سایت‌های خاص مانند وزارت دادگستری ایالات متحد آمریکا است. در این پژوهش پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک سال ۲۰۰۰ با قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ مجلس بررسی و تطبیق داده می‌شوند.

مفهوم هرزه‌نگاری

پورنوگرافی (Pornography) از «هرزه‌نگارانه (Pornographos)» یونانی مشتق شده است و نوشتن درباره فاحشه‌ها معنی می‌دهد (۹). این نوع اعمال مجرمانه که ماهیتاً در جرائم سنتی نیز وجود دارد، با توسعه و پیشرفت رایانه و اینترنت وارد رسانه‌های جمعی شده است و از لحاظ گستردگی و وسعت پخش و توزیع در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد (۸). این اصطلاح برای توصیف محتویات سوءاستفاده جنسی از کودک، همچنین برای توصیف جرائم تولید، تهیه، مصرف، به اشتراک‌گذاری، پخش، انتشار و یا نگهداری چنین آثاری نیز استفاده می‌شود (۹).

در این‌که هرزه‌نگاری معادل اصطلاح «پورنوگرافی» است، بین حقوق‌دانان کشور ما اختلاف نظر است، بسیاری از نویسندگان این دو واژه را معادل هم استعمال نموده‌اند. در نقطه مقابل بیان شده است:

هرزه‌نگاری عام‌تر از پورنوگرافی و ناظر به محتویاتی است که بر پایه قانون و شرع دارای ارزش نیستند و استعمال آن علاوه بر فارسی‌بودن به دلیل عام‌بودنش است که شامل هر نوع محتوای بی‌ارزش و زشت است. در کشورهای غربی پورنوگرافی در معنای مضیق به کار برده می‌شود که به موجب آن نه تنها جنبه دیداری داشته، بلکه عمدتاً ناظر به تولید و نمایش محتویات مستهجن کودکان است، اما در مقابل هرزه‌نگاری از حیث وسیله هم جنبه دیداری داشته و هم به محتویات شنیداری تسری دارد. همچنین در نظام حقوقی ما تولید و نمایش محتویات فراتر از آنچه در کشورهای دیگر نمایش رابطه جنسی صریح نامیده می‌شود را دربر می‌گیرد، از همه فراتر معیار تعیین مصادیق هرزه‌نگاری، هتک عفت و اخلاق عمومی است. از این رو قربانی جرم اعم است از کودکان و بزرگسالان (۲).

آمار دقیقی از میزان هرزه‌نگاری و هرزه‌گرایی در ایران در دست نیست، اما آنچه به صورت تقریبی می‌توان بیان نمود آن است که از یکسو استفاده از هرزه‌نگاری در کشور طی چند سال اخیر نسبت به سال‌های گذشته به میزان قابل توجهی افزایش یافته و این روند رو به افزایش بر تعداد مصرف‌کنندگان

هرزه‌نگاری در داخل کشور می‌افزاید؛ از سوی دیگر اگر تا چند سال پیش، ایران بیشتر مصرف‌کننده هرزه‌نگاری تولیدشده در سایر کشورها بود، امروزه شاهد تولید هرزه‌نگاری به صورت پنهانی و زیرزمینی در داخل کشور هستیم.

راه‌اندازی سایت‌های ایرانی و فارسی‌زبان هرزه‌نگاری، از جمله آویزون، آمیزش، شهوت سرا و... با نمایش تصاویر مبتذل و مستهجن و ارائه مطالب و داستان‌های شهوت‌انگیز جنسی سعی در ترویج رفتارهای جنسی منحرف از قبیل هم‌جنسگرایی، دیگرآزاری، ارتباطات جنسی با کودکان و نظایر آن داشتند. به طور مثال می‌توان به سایت «آویزون» اولین سایت فارسی‌زبان که به صورت اختصاصی به موضوع رابطه جنسی نامشروع با محارم پرداخته است، اشاره نمود که بالاترین آمار بازدیدکننده را در میان سایت‌های مستهجن فارسی‌زبان نیز داشت و در اواخر سال ۱۳۸۷ با دستگیری اعضای اصلی گرداننده آن، تعطیل گشت (۱۲).

تعریف هرزه‌نگاری

تعریف پدیده‌های اجتماعی به اعتبار نسبی‌بودن ارزش‌ها و هنجارها و فرهنگ جوامع مختلف و عدم اجماع اندیشمندان مناطق جغرافیایی موضوع ساده‌ای نیست، یکی از این پدیده‌ها هرزه‌نگاری است که حتی در استعمال عناوین آن نیز اختلاف دیده می‌شود. در کشور ما عمدتاً تمایل به استفاده از معادل‌های فارسی واژه «پورنوگرافی» است. اکثریت قریب به اتفاق نویسندگان حوزه‌های مختلف از واژه «هرزه‌نگاری» بهره می‌برند. هرزه‌نگاری به مجموعه‌ای از رفتارهای مجرمانه گفته می‌شود که شامل تولید، طراحی، ارائه، انتشار و مورد معامله قراردادن محتویات شنیداری و دیداری اعم از تصویر، نوشته و صوت می‌شود که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار می‌سازد (۲).

هرزه‌نگاری کودک

هرزه‌نگاری از حیث سن افراد تصویرشده در آن، به دو دسته هرزه‌نگاری کودک و هرزه‌نگاری بزرگسال تقسیم می‌شود. از دید برخی، این تقسیم‌بندی مهم‌ترین تقسیم‌بندی هرزه‌نگاری

بنابراین می‌توان با اصطلاح «محتویات» یا «آثار» به جای تصاویر این مشکل را مرتفع ساخت. در حال حاضر، اصطلاح «آثار سوءاستفاده جنسی کودک» به طور گسترده‌ای برای جایگزینی واژه «پورنوگرافی کودک» استفاده می‌شود.

به عنوان نمونه پارلمان اروپا در قطع‌نامه خود در رابطه با سوءاستفاده جنسی آنلاین کودک در ۱۱ مارس ۲۰۱۵ صریحاً مقرر کرد که «استفاده از اصطلاح‌شناسی صحیح برای جنایات علیه کودکان ضروری است، از جمله برای توصیف تصاویر سوءاستفاده جنسی از کودکان و استفاده از واژه مناسب «محتویات سوءاستفاده جنسی از کودک» به جای «پورنوگرافی کودک» (۹). هرزه‌نگاری که نمایش فعالیت جنسی یا اندام جنسی می‌باشد، بدیهی است فعالان این صنعت را با توجه به تقاضای طرفداران آن، برای نیل به منظور خود، یعنی تحریک جنسی مخاطب و تولید، عرضه و فروش بیشتر، به سمت کودکان متمایل کند. در واقع در صنعت هرزه‌نگاری حتی افزون‌تر از روسپیگری که در آن نیز سن کم‌تر برابر با جذابیت و تحریک بیشتر است، نمایان است. به نظر می‌رسد اکثر متقاضیان بهره‌کشی جنسی از اشخاص، تمایل ویژه به مشاهده تصاویر عریان کودکان داشته باشند.

به نظر می‌رسد هرزه‌نگاری کودک را بتوان «استثمار جنسی هر شخص زیر ۱۸ سال تمام با هر نوع روشی اعم از پدیداری کودک واقعی یا شبه‌کودک، در قالب فعالیت جنسی خواه مشترک با دیگری یا به تنهایی و یا استفاده از اندام جنسی وی در هر نوع اثری اعم از دیداری، شنیداری و نوشتاری و با هر هدفی خواه سودجویی و غیر آن، با قصد تحریک جنسی، صرف نظر از تأثیر آن در مخاطب» تعریف نمود. منظور از عدم تأثیر آن در مخاطب، به اعتبار نوعی قلمدادشدن استفاده ابزاری از کودک است، چراکه در عمده تعاریف هرزه‌نگاری هدف تحریک جنسی عنصر مشترکی است، در حالی که بهترین منافع کودک مستلزم، شخصی محسوب نکردن تحریک جنسی مخاطب است، در غیر این صورت بایستی ملاک تشخیص محتویات هرزه‌نگارانه، تأثیر آن در هر مخاطب به صورت جداگانه باشد.

محسوب می‌شود، چراکه بیشترین چالش‌ها و اختلاف نظرها در عرصه بین‌المللی درباره هرزه‌نگاری، در ارتباط با این تقسیم‌بندی مطرح شده است (۱۲)، هرچند به نظر می‌رسد این تقسیم‌بندی توسط کشورهای که هرزه‌نگاری را به رسمیت شناخته‌اند، ایجاد شده و فقط در چنین نظام‌های کیفری کاربرد دارد، ولی می‌توان این تقسیم‌بندی را برای کشورهای که هرزه‌نگاری را ممنوع نموده‌اند نیز از جهت اهمیت مراقبت بیشتر از کودکان و وضع مقررات حفاظتی سخت‌گیرانه‌تر و دقیق‌تر مفید دانست (۱).

بعضی معتقدند واژه «هرزه‌نمایی کودکان» مناسب‌تر از واژه هرزه‌نگاری باشد، زیرا عمل مرتکب به تصویرکشیدن و نمایش است نه تحریر و نوشتن مطالب هرز (۱۰) در تبیین واژه هرزه‌نگاری کودک از عبارت‌هایی از جمله «پدو - پورنوگرافی»، «هرزه‌نگاری کودک‌نما»، «هرزه‌نگاری شبیه‌سازی‌شده» نیز استفاده شده است (۱۳).

به نظر می‌رسد در استعمال واژگان باید نهایت دقت را اعمال داشت، زیرا اصطلاح «پورنوگرافی کودک» به‌طور ضمنی این احتمال را تلقین می‌کند که رفتارهای انجام‌شده با رضایت کودک بوده و مشروعیت آثار جنسی را نشان می‌دهد (۹).

گفته شده واژه «پورنوگرافی کودک» بسیار متناقض است و بسیاری معتقدند که دیگر نباید استفاده شود. ادواردز استدلال می‌کند که این اصطلاح یک ترکیب متناقض اصطلاحی است نه پورنوگرافی، زیرا بیانگر تجاوز، سوءاستفاده و شکنجه کودک است (۷).

تیلور و کوئل اصطلاح «پورنوگرافی کودک» را به خاطر مجاورت «کودک» با «پورنوگرافی» توهین‌آمیز می‌دانند، در حالی که اصطلاح دوم با عاشقانه‌ها مطابقت دارد، چیزی که به صورت آشکار نامناسب است، هنگامی است که سوءاستفاده جنسی از کودکان را به تصویر می‌کشد (۱۷)، آن‌ها جایگزین‌های رایج پورنوگرافی کودک را «تصاویر سوءاستفاده جنسی» یا «تصاویر سوءاستفاده از کودک» می‌دانند (۱۷).

به نظر می‌رسد اصطلاح «تصویر»، قلمرو پورنوگرافی کودک را به آنچه قابل رؤیت است، محدود می‌سازد و طبیعتاً شامل سایر طیف‌ها مانند آثار نوشتاری و صوتی نخواهد شد.

هرزه‌نگاری کودک در فضای مجازی

از حیث نقش رایانه در ارتکاب جرم، جرائم رایانه‌ای را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: اول، جرائمی که در آن‌ها رایانه و تجهیزات جانبی آن موضوع جرم واقع می‌شوند، مانند سرقت (جرم بر رایانه)؛ دوم، جرائمی که در آن‌ها رایانه به عنوان ابزار و وسیله ارتکاب جرم استفاده می‌شود (جرم با رایانه)؛ سوم، جرائمی که در دنیای مجازی به وقوع می‌پیوندند (جرائم رایانه‌ای محض) (۱۰). به نظر می‌رسد جرائم هرزه‌نگاری رایانه‌ای را بتوان در دسته دوم قرار داد که رایانه نه به عنوان مبدع آن، بلکه در مقام وسیله‌ای نوین است که آثار هرزه‌نگاری به ویژه از کودکان را با سرعت، سهولت و امنیتی بیشتر و قیمتی کمتر از گذشته در اختیار مخاطبان خود در سپهر جهانی قرار می‌دهد.

ارتباطات در فضای مجازی و استفاده از شبکه‌های رسانه اجتماعی به شیوه‌های اصلی برای مردم در تعامل با جوامع مدرن گسترش یافته است. با این حال، این فرصت‌ها همچنین شامل خطرات جدید است. آنچه که ممکن است به عنوان یک تعامل بی‌ضرر بین افراد آغاز شود، می‌تواند به یک پرونده قاچاق انسان تبدیل شود. حوزه آنلاین مسیرهای جدیدی را برای قاچاقچیان در شناسایی، تماس گرفتن و به دام انداختن (اغفال) قربانیان در تاکتیک‌های استثماری باز کرده است. آنچه که به طور واضح به اینترنت اشاره دارد، مجموعه وسیعی از سیستم‌های عامل رسانه‌ای را فراهم می‌کند که اکثر آن‌ها اشتراک‌گذاری تصاویر، متن و یا ویدیو را تسهیل می‌کند (۱۹).

فیس‌بوک، گسترده‌ترین سایت رسانه‌های اجتماعی در جهان با ۱/۲ میلیارد کاربر، به یک کانال مهم برای استثمار جنسی کودکان تبدیل شده است. با یک برآورد، «حدود نیمی از استثمار جنسی آنلاین کودکان در شبکه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد» (۱۶).

در ۱۱ جولای ۲۰۱۹ به حکایت سامانه وزارت دادگستری آمریکا، دادگاه بخش تامپا فلوریدا، جیمز لوکهارت ۳۱ ساله را به اتهام تهیه، توزیع و مالکیت پورنوگرافی که رابطه جنسی خودش با دختر بچه یک ساله‌ای را تولید و در تالار وب سیاه (Dark Web Forum) توزیع می‌کرد، به حداکثر هفتاد سال

حبس محکوم کرد. این انحراف ارتكابی مخوف‌ترین قساوت قابل تصور نسبت به کودک یک‌ساله است (۲۰).

کشور ما نیز از این مقوله مستثنا نیست و به ویژه با در اختیار قراردادن گوشی‌های تلفن همراه مدرن و سایر دستگاه‌های قابل اتصال به اینترنت نظیر تبلت، به کودکان، اگر کنترل‌های دقیق و لازم توسط سرپرستان کودک، صورت نپذیرد، وی را با انبوهی از عکس‌ها و تصاویر مبتذل و مستهجن رو به رو می‌سازد، دنیای ناخواسته جدید و پررمز و رازی که برای ذهن آماده حرکت و کنجکاو و تشنه کشف نادانسته‌ها و تجربه‌نشده این گروه سنی، هزاران علامت سؤال پدیدار می‌نماید که به اعتبار اخلاقی‌بودن جامعه و سیاست‌های تبلیغی و رسمی دولت و قبح پرسش و پاسخ در بعضی خانواده‌ها، به تنهایی و در خلوت به جستجوی چپستی و چرایی و اندوختن تجربه شخصی، پرداخته و همین امر ممکن است او را به مسیری هدایت کند که نتیجه‌ای جز لطمات جدی در مرحله اول به شخصیت و کرامت کودکان به عنوان انسانی معصوم و سپس به سایر اشخاص و در نهایت جامعه نداشته باشد.

تلاش‌های بین‌المللی در حمایت از کودکان در برابر هرزه‌نگاری

پس از تأسیس سازمان ملل متحد، این سازمان نسبت به شناسایی مجموعه‌ای از اسناد، آموزه‌ها، رویه‌ها و نهادها اقدام کرد که امروزه از آن تحت عنوان نظام بین‌المللی حقوق بشر یاد می‌کنند (۲۱)، یکی از مهم‌ترین اهداف نظام بین‌المللی حقوق بشر، ارائه معیارهای جهانی و عام‌الشمول برای کشورها است. پیش‌بینی هنجارهای جهانی در این نظام و انتقال آن‌ها به نظام‌های حقوق داخلی در موضوعات مختلف در همسویی حقوق کشورهای مختلف در مواجهه با مسائل مختلف بسیار مؤثر بوده است (۱۱).

یکی از این هنجارها که جامعه بین‌المللی خود را متعهد به دفاع از آن می‌داند، صیانت از کودکان در برابر هرگونه سوءاستفاده جنسی است.

سوءاستفاده جنسی و بهره‌برداری شامل استثمار جنسی تجاری، روسپیگری کودک و پورنوگرافی کودک می‌شود و به

تهدید پورنوگرافی کودک در اینترنت برای جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته شد، در نتیجه ایجاد و توسعه استانداردهای بین‌المللی برای محتویات قابل قبول در اینترنت ضروری می‌نمود. سؤال اساسی این بود که آیا کنوانسیون و به ویژه ماده ۳۴، به طور مناسب تمام انواع پورنوگرافی کودک، به ویژه آن‌هایی که فناوری‌های جدید، را درگیر می‌کند، تحت پوشش قرار داده است (۴).

در سال ۲۰۰۰، پروتکل اختیاری فروش کودکان، روسپیگری کودک و پورنوگرافی کودک (پروتکل اختیاری) به کنوانسیون حقوق کودک برای امضای جامعه بین‌المللی مفتوح شد. اجرای این سند آشکار کرد که اگرچه رویکرد بین‌المللی به حقوق بشر نشان‌دهنده تعهد واضحی برای حفاظت کودکان از سوءاستفاده جنسی است، توسعه پروتکل اختیاری پاسخی مستقیم به اسناد ناکافی ساز و کارهای اجرایی جوامع بین‌المللی است (۴)، پیشرفت تکنولوژی و جهانی‌سازی ارتباطات شماری مشکلات مربوط به شبه‌تصاویر را ایجاد کرد. همان‌گونه که شبه‌تصاویر بدون استفاده از کودکان ایجاد می‌شود، کاشف به عمل آمد که بسیاری از کشورهای عضو هیچ مقرراتی برای جرم‌نگاری چنین آثاری ندارند (۴).

هرزه‌نگاری کودک در پروتکل الحاقی

معمولاً به قراردادهای و موافقت‌نامه‌های مهم بین‌المللی، سند یا اسنادی با عنوان «پروتکل» ضمیمه می‌شود که برخی از مقررات اصلی را تشریح می‌کند، چیزی به آن‌ها می‌افزاید یا از ابهام‌های آن‌ها می‌کاهد (۱۴).

در پاسخ به افزایش قاچاق بین‌المللی کودکان با هدف روسپیگری و پورنوگرافی کودک، در سال ۲۰۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل پروتکل اختیاری را به کنوانسیون فوق‌الذکر تصویب کرد که هدف از آن گسترش اقدامات برای تضمین حفاظت از کودکان در برابر استثمار جنسی است (۱۵)، این پروتکل در سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد و در حال حاضر یک سند قانونی و راهنمای خط مشی کشورهای عضو برای تطبیق قوانین خود در مورد مسائل مربوط به پورنوگرافی کودک است (۳).

عنوان یک نوع خشونت و در نتیجه «از نظر روان‌شناختی تحمیل‌گرانه، استثمارگرانه و آسیب‌زا» توصیف می‌شود، حتی اگر با اجبار فیزیکی همراه نباشد (۱۵)، در این قسمت به بررسی دو سند مهم بین‌المللی در راستای حمایت از کودکان در برابر هرزه‌نگاری می‌پردازیم.

هرزه‌نگاری در کنوانسیون حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک، سند اصلی بین‌المللی برای حفاظت از حقوق کودکان است، از جمله از همه انواع سوءاستفاده، خشونت، غفلت و استثمار، تعدادی از مفاد آن مربوط به این حقوق است (۱۸)، به حق می‌توان این سند مهم را که حاوی کلیه ابعاد زندگی کودکان، از جمله دغدغه‌های فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی و حتی سیاسی است، قانون اساسی جهانی حقوق کودک نامید.

این کنوانسیون که توسط اکثریت قاطع کشورهای جهان به تصویب رسیده، پورنوگرافی کودک را به عنوان خشونت علیه کودکان تشریح می‌کند (۶). با وجود این، کنوانسیون تعریفی از پورنوگرافی کودک ارائه نمی‌دهد، اما ماده ۳۴ به فهرستی از فعالیت‌هایی اشاره می‌کند که باید در قوانین جنایی کشورها یکپارچه شود، با در نظر گرفتن: استفاده استثماری از کودکان در اجراهای پورنوگرافیک و محتویات (۳).

کشورهای عضو کنوانسیون موظف هستند تمام اقدامات و سیاست‌ها را در انطباق با بهترین منافع کودک توسعه و اتخاذ کنند (۴). این اقدامات و سیاست‌ها شامل فرض مسئولیت برای مصرف و انتشار پورنوگرافی کودک می‌شود. شناخت این تعهد می‌تواند منجر به اجرای قوانین قوی‌تر برای حفاظت از کودکان شود (۴).

در این‌که تنها با الحاق دولت‌ها به سند مهم و فراگیری چون کنوانسیون حقوق کودک، بدون اراده جدی آن‌ها، مبنی بر مبارزه اساسی با استثمار جنسی علیه کودکان، چنین پدیده‌هایی از بین نمی‌روند، شکی نیست. از همین رو یک بار دیگر و برای مقابله جدی از طریق جرم‌نگاری و واکنش کیفری و همکاری بین کشورها، جامعه جهانی ضرورت تدوین سند دیگری را احساس کرد.

این پروتکل یکی از سه پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک است که با نقض عمده حقوق بشر در سراسر جهان مواجه است. در آن زمان، پروتکل گام مهمی را در راستای اقدامات مشخص برای محافظت از کودکان از استثمار جنسی، در میان سایر اشکال قاچاق انسان، برداشت (۵)، پروتکل به یک قانون برجسته اقدام بین‌المللی در محافظت کودکان از استثمار، تبدیل شد (۱۸)، پروتکل جرم‌انگاری‌های خاص مربوط به پورنوگرافی کودک را دربر می‌گیرد و [نسبت به کنوانسیون] دامنه تخلفات جنایی را گسترش می‌دهد. این امر دولت‌ها را مکلف می‌کند هرگونه تلاش برای دسترسی کودکان به محتوا و یا هر نوع مشارکت در این اعمال را ممنوع سازند. بنابراین تفاوت قابل‌توجهی بین پروتکل و کنوانسیون در جزئیات تعاریف وجود دارد (۴).

این کنوانسیون تعریف نسبتاً واضحی از هرزه‌نگاری کودک ارائه می‌دهد تا اختلاف کشورها را در خصوص تعریف و تعیین مصادیق هرزه‌نگاری کودکان به حداقل رسانده و از این طریق، زمینه همکاری کشورها را برای کشف هرزه‌نگاری و تعقیب و مجازات هرزه‌نگاران فراهم نماید (۱۲).

در ماده ۲ پروتکل از عبارت «پورنوگرافی کودک» استفاده می‌شود و آن را به عنوان «هرگونه نمایش، با هر وسیله‌ای از یک کودک که درگیر فعالیت‌های جنسی صریح واقعی یا شبیه‌سازی‌شده جنسی و یا نمایش اندام جنسی یک کودک برای اصولاً مقاصد جنسی» تعریف می‌کند. علاوه بر این، از طریق ماده ۳(c)، کشورهای عضو را ملزم به جرم‌انگاری اجزای تشکیل‌دهنده جرم پورنوگرافی کودک تحت «تولید، توزیع، انتشار، واردات، صادرات، ارائه، فروش یا مالکیت پورنوگرافی کودک برای اهداف فوق» می‌کند (۹).

از لحاظ تاریخی، شکل‌های عمده پورنوگرافی کودک با عکس‌ها و فیلم‌ها مرتبط شده‌اند، اما تصاویر دیگر مانند کارتون‌ها و نقاشی‌ها نیز در مجلات و کتاب‌های کمیک دیده شده است. این جایی است که مقررات مندرج در بند ۲ ماده ۲ واقعاً قابل توجه است، زیرا آن‌ها همه انواع تصاویر را ممنوع می‌کنند (۴).

استفاده از عبارت «هرگونه نمایش، با هر وسیله‌ای»، منعکس‌کننده طیف وسیعی از آثار مربوط به پورنوگرافی قابل دسترس در رسانه‌های مختلف است که کودکان را به گونه‌ای در یک وضعیت متمایل به تحریک جنسی یا التذاذ کاربران نشان می‌دهد (۹)، به رسمیت‌شناختن این واقعیت است که پورنوگرافی کودک در حال حاضر یک موضوع دیجیتالی است که دیگر محدود به عکس‌های سخت‌افزاری (فیزیکی) یا تصاویر چاپی نیست (۴).

این پروتکل، این جنایت را به عنوان «... یا هرگونه نمایش از اندام جنسی یک کودک برای اهداف اصولاً جنسی» تعریف می‌کند. به نظر می‌رسد، اصولاً هدف جنسی را باید انحصاراً نسبت به حلقه‌های ایجادکننده این نمایش‌ها معطوف ساخت، وگرنه استفاده‌کننده با هدف پنهان خود در هر اثری که با هر مقصودی تهیه شده، قادر به عملی ساختن نیت خود خواهد بود. در این زنجیره اهداف باید مشخص شود که محتویات با کاربرد پزشکی، علمی یا اجرای هنری، این جنایت را محقق نمی‌سازد (۳).

با این حال، لازم به ذکر است که در پروتکل هنوز مشخص نیست که انواع مختلف پورنوگرافی کودک چیست (۳)، اگرچه تفسیر کشورها در این خصوص یکسان نیست. به عنوان مثال دولت سوئد، هرزه‌نگاری غیر تصویری و دولت ژاپن، هرزه‌نگاری غیر واقعی را از مصادیق این رفتار مجرمانه نمی‌دانند. بر این اساس می‌توان گفت که پروتکل سه نوع از آثار را شناسایی می‌کند که پورنوگرافی کودک است: تمام اشکال نمایش‌های تصویری، نمایش‌های نوشتاری و نمایش‌های صوتی (۴).

از نظر پروتکل، تولید به معنی ساختن آثار پورنوگرافی کودک است. توزیع شامل انتشار محتویات مربوط به پورنوگرافی کودک در بین حلقه‌های پدوفیل یا گروه‌های جرم سازمان‌یافته خواه برای کسب سودخواه غیر آن می‌شود (۳). توزیع از طریق اینترنت با آپلود آثار در وبسایت‌ها یا فرستادن ایمیل‌ها، شبکه‌های همکار شبکه، اتاق‌های گفتگو و... نشان داده می‌شود (۳).

این اقدام مقنن در تعریف هرزه‌نگاری را دلالت بر درایت ایشان و جامعیت هرگونه محتوا نسبت به کودک دانست.

با تعریف مستهجن در بند «خ» ماده ۱: «هرگونه محتوا اعم از صوتی یا تصویری که به صورت واقعی یا غیر واقعی بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد، آمیزش، عمل جنسی یا اندام جنسی انسان است.» برخلاف قانون جرائم رایانه‌ای از محتویات نوشتاری سخن نرانده، بعید است بتوان با هر تفسیری، واژه «اعم»، را به «نظیر» یا «مانند»، تعبیر کرد و متن را نیز داخل در مصادیق آن نمود، اگر این امر ناشی از غفلت تهیه‌کنندگان لایحه بوده، با توجه به مدت‌زمان طولانی بررسی ظاهراً کارشناسان آن قابل توجه نیست و بیش از گذشته به عدم انسجام مقرراتی سیاست کیفری حاکم بر هرزه‌نگاری می‌انجامد و این سؤال را تداعی می‌نماید که در این موارد باید به مقررات دیگر مراجعه نمود یا با فرض درایت قانونگذار و اشراف به مقررات سابق، و با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، قائل به فقدان وصف جزایی از محتویات نوشتاری در ارتباط با کودکان باشیم، امری که هرچند با سیاست تقنینی بعد از انقلاب همخوانی ندارد و موجب تشتت آرا خواهد شد، اما مقتضای تفسیر جزایی است، لیکن بایستی پذیرفت در هرزه‌نگاری موضوع قانون با توجه به اطلاق تعریف مندرج در بند «د» محتویات نوشتاری نیز در دایره شمول تعریف قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد، با تعریف مبتذل و مستهجن قبل از هرزه‌نگاری، جداسازی هر یک از این مفاهیم مد نظر بوده است. ماده ۱۰ قانون، می‌تواند مؤید این ادعا باشد که در بند ۵ آن از عبارت «هرزه‌نگاری» و در بندهای ۶، ۷ و ۸ از واژگان «مستهجن» و «مبتذل» استفاده شده است. با توجه به همپوشانی بعضی مصادیق «هرزه‌نگاری» و «مستهجن»، و این‌که در بند ۵، بهره‌کشی از طفل و نوجوان برای هرزه‌نگاری با استفاده از طفل یا نوجوان در تهیه و تولید آثار مستهجن، آمده، بین این دو چه تفاوتی وجود دارد؟ بدون تردید مقنن با تعریف هر یک از این واژگان قصد جداسازی اصطلاح «هرزه‌نگاری» را داشته، اما دلیل تطابق عبارات استعمالی مشترک در هر دو تعریف و این‌که در واقع چه تفاوت‌های

هرچند به نظر می‌رسد کنوانسیون لنزاروت ۲۰۰۷ اروپا، از حیث تعیین مصادیق پورنوگرافی جامع‌تر از پروتکل باشد، چراکه به موجب ماده (۱) ۲۰ آن: «تولید، ارائه و یا قابل دسترس ساختن، توزیع و یا پخش، تهیه پورنوگرافی کودک برای خود یا برای فرد دیگری، داشتن و تحصیل دسترسی آگاهانه به پورنوگرافی کودک» را ممنوع می‌سازد (۹). این آخری، یک نوآوری در جرم‌نگاری پورنوگرافی کودک است، زیرا هیچ سند دیگری در این زمینه مشخص نکرده که دسترسی آگاهانه به تصاویر غیر قانونی باید مجازات شود (۳).

هرزه‌نگاری کودک در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

در راستای حمایت قانونی جامع از اطفال و نوجوانان در شهریور ۱۳۹۷ مجلس شورای اسلامی لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان را با هدف تجمیع مقررات حمایتی از این گروه سنی به تصویب رساند که بعد از رفع ایرادات شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۳ به تصویب نهایی رسید. یکی از موضوعات این قانون که به نظر می‌رسد با نیم‌نگاهی به اسناد بین‌المللی تدوین‌یافته رفتار مجرمانه هرزه‌نگاری طفل و نوجوان است.

بند «د» ماده ۱ قانون، در تعریف هرزه‌نگاری مقرر می‌دارد: «تهیه و تولید هر اثری که محتوای آن بیانگر جذابیت جنسی طفل یا نوجوان مانند برهنگی، آمیزش، عمل جنسی یا اندام جنسی باشد.»

این قانون ضمن تعریف «مبتذل» و «مستهجن» از عناصر مبتذل در تعریف «هرزه‌نگاری» استفاده نکرده، همچنین در تعریف هرزه‌نگاری، برهنگی کامل قید نگردیده که دلالت آن مشخص و البته صحیح است. همچنین در تعریف هرزه‌نگاری، موضوع جذابیت جنسی و یا آمیزش جنسی طفل یا نوجوان مطرح است. در این تعریف برخلاف مستهجن که در آن به آمیزش جنسی انسان منحصر گشته، این سؤال متبادر به ذهن می‌شود که در محتویات هرزه‌نگارانه، امکان آمیزش بین طفل و یا نوجوان با حیوان، منتفی نیست؟ با توجه به موضوع قانون و با عنایت به حساسیت مربوط به کودکان، یادگیری سریع و آسیب‌پذیری این گروه سنی، این احتمال قابل تصور است. باید

مصادقی در عمل بین این دو وجود دارد، مشخص نیست که به نظر می‌رسد منجر به این دوگانگی شود که هر جا موضوع هرزه‌نگاری بیان شده، کلیه محتویات اعم از دیداری، شنیداری و نوشتاری و در مورد مستهجن تنها محتویات دیداری و شنیداری ملاک عمل قرار گیرد، ولی شایسته است به اعتبار اشخاص موضوع حمایت این قانون، متون قانونی از انسجام برخوردار باشند.

در بند ۶ ماده ۱۰ قانون آمده: «در دسترس قراردادن یا ارائه محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل به طفل یا نوجوان به یک یا چند مجازات درجه ۸ قانون مجازات اسلامی»، در این‌که اشخاص درگیر در آثار، بزرگسال یا کودکان باشند، تفاوتی نیست. ظاهراً هدف پیشگیری از دسترسی کودک به چنین محتویاتی بوده است.

مجازات‌های درجه ۸ که برای تنبیه مرتکب در نظر گرفته شده، شامل سه مورد حبس، جزای نقدی و شلاق تعزیری می‌شود، واژه «چند»، خود اشاره به بیش از دو مورد دارد، در حالی که وقتی قانونگذار قاضی را در عدد «چند»، مخیر می‌سازد، گزینه‌های قابل انتخاب، بایستی حداقل سه مورد باشد و همچنین قاضی نتواند به تمامی آن‌ها حکم دهد (مانند ماده ۲۳ ق.م.ا).

این بند برخلاف قوانین قبلی، از حیث مجازات بین محتویات مبتذل و مستهجن، تفاوتی قائل نشده، به نظر می‌رسد قصد قانونگذار از این‌گونه محتویات به اعتبار مخاطبان قانون، برقراری حمایت یکسان است که قابل توجیه نبوده، زیرا تأثیر این آثار حداقل نزد نوجوانان متفاوت است.

همچنین لازم به ذکر است که در بهره‌کشی، عنصر اجبار و تحمیل وجود دارد؛ شاید بند ۷ ماده ۱۰ قانون مؤید چنین استدلالی باشد: «استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل، حسب مورد به میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مقرر در قانون مربوط»، در حالی که هدف غایی، ظاهراً تدوین مجموعه مقرراتی جامع و مناسب بوده، مشخص نیست چرا همچنان به سلطنت قوانین مرتبط، مثل قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری

فعالیت غیر مجاز می‌نمایند و سایر قوانینی که مجازات شدیدتری نسبت به این قانون له و علیه کودکان پیش‌بینی شده (ماده ۲۵ قانون)، حکم می‌رانند.

صرف نظر از این‌که مقنن در صدر بند، در نحوه استفاده از کلمات «واو» و «یا» مرتکب اشتباه شده، لازم به توضیح است: قانون احاله‌شده، قانون نحوه مجازات ۱۳۸۶ است که در آن، تنها تبصره ۳ ماده ۳ از صغار بحث کرده است: «استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارها و لوح‌های فشرده غیر مجاز موضوع این قانون موجب اعمال حداکثر مجازات‌های مقرر برای عامل خواهد بود.» نکاتی چند در این خصوص قابل تأمل است:

در قانون مذکور هیچ‌جا ذکری از نگهداری محتویات مستهجن نشده، مگر با مسامحه واژه «دارنده» را با نگه‌دارنده مترادف بدانیم، در غیر این صورت، مجازاتی برای این رفتار پیش‌بینی نشده است.

منظور از «نمایش»، اصولاً اجرای آثار برای مشاهده اشخاص است، در حالی که در قانون فوق صرفاً از نمایش‌های مبتذل (بند «ب» ماده ۳)، آن هم نه در معنای اجرای نمایش، بلکه نمایش‌های ضبط‌شده، سخن به میان آمده، در حالی که به رفتار مجرمانه نمایش آثار مستهجن، اشاره نگردیده تا مجازاتی برای آن تعیین و به تبع آن مجازات استفاده از صغار حداکثر آن باشد، مگر آنکه بازیگران اصلی نقش‌های مستهجن را، عاملان نمایش فرض نماییم که با توجه به مصادیق هرزه‌نگاری که نمایش را مترادف با اجرا می‌داند، این اصطلاح تاب چنین تفسیری را ندارد.

در قسمت تهیه و تولید آثار موضوع این قانون، از صغار ذکری به میان نیامده که این موضوع محتمل است که غیر از تبصره ۳ ماده ۳، بین کودکان با سایرین تفاوتی وجود ندارد.

بنابراین مراد مقنن در قانون، جرم‌انگاری جدید و دیدگاهی خاص نسبت به کودکان است، اما مجازات را به قانونی احاله نموده که قاضی در عمل بایستی مرز هر یک از مصادیق را جداگانه بررسی و در صورت کشف مجازات آن، مبادرت به صدور حکم نماید.

قانونگذار در بند ۷، مجازات «میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مقرر در قانون مربوط» را پیش‌بینی نموده است، یکی از دلایل عدم تصویب ماده ۱۲ قانون، در مورد قاچاق کودکان، در مردادماه ۱۳۹۷ و ارجاع آن به کمیسیون، واکنش کیفی خفیف‌تر نسبت به مقرر موجود بود، مطمئناً اگر نمایندگان حاضر در جلسات رسیدگی به لایحه، به قانون نحوه مجازات، اشراف داشتند، بند ۷ ماده ۱۰ نیز به همان سرنوشت دچار می‌شد، حال صرف نظر از این‌که، هدف قانونگذار به نوعی تشدید مجازات بوده، سیاست کیفری «یک بام و دو هوا» حاکم خواهد شد، به این ترتیب که در مصادیقی که بین قانون اخیر و قانون نحوه مجازات، همپوشانی وجود دارد، ظاهراً به استناد ماده ۲۵ قانون باید به قانون خاص استناد و حداکثر مجازات و در سایر موارد به تعیین مجازاتی بین «میانگین حداقل و حداکثر مجازات عامل» قائل شد. مثلاً در تبصره ۳ ماده ۳ مجازات حداکثری برای عامل استفاده از صغار پیش‌بینی شده، در حالی که سایر مواردی که در قانون اضافه گردیده، از اهمیت بیشتری برخوردار هستند و مجازات آن تنها با تشخیص قاضی، حداکثر مجازات تعزیری خواهد بود.

مشکل اصلی این است که مطابق ماده ۳ قانون نحوه مجازات: عوامل تولید، توزیع، تکثیر و دارندگان آثار سمعی و بصری با توجه به محتوای اثر حسب مورد به یکی از مجازات‌های پیش‌بینی شده محکوم می‌شوند: ۱- عوامل اصلی تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستهجن در مرتبه اول... و در صورت تکرار به ... محکوم می‌شوند، چنانچه عوامل فوق‌الذکر یا افراد زیر از مصادیق مفسد فی‌الارض شناخته شوند، به مجازات آن محکوم می‌گردند...؛ ۳- عوامل اصلی در تولید آثار مستهجن.

دقت در متن فوق، مؤید این امر است که قانونگذار برای عوامل اصلی تولید آثار مستهجن، تنها در صورتی که از مصادیق مفسد فی‌الارض باشند، قائل به جرم‌نگاری شده که با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، در غیر از حالت مذکور، تولیدکننده اصلی قابل مجازات نیست. تبصره ۶ این ماده، تأکیدی بر این امر است.

بنابراین چگونه قانونگذار، بدون توجه در قوانینی که قصد احاله به آن را دارد، برای وضعیتی که جرم‌نگاری آن در هاله‌ای از ابهام است، مجازات بر مبنای محاسبه بین میانگین حداقل و حداکثر، پیش‌بینی می‌کند؟

همچنین قانونگذار می‌بایست با دقت بیشتر و البته آسیب‌شناسی موضوع و با توجه به آثار واقعی بالفعل و بالقوه آن بر بزه‌دیده و دیگران، بین هر یک از مصادیق تفاوت قائل می‌شد، بدون تردید، آثار و تبعات هریک از مصادیق «تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل» یکسان نیست تا قانونگذار به همسانی مجازات آن‌ها حکم دهد، مثلاً در تولید اثر، هرچند با توجه به نوع رابطه جنسی، قانونگذار در قانون مجازات اسلامی، مجازات‌هایی پیش‌بینی نموده، اما با توجه به فلسفه حاکم بر سیاست افتراقی حمایت کیفری از کودکان و تشدید برخورد به منظور پیشگیری از ارتکاب این قبیل رفتارها علیه این گروه سنی، تأثیر ماندگار و دائمی که تولید و یا انتشار محتویات به ویژه با توجه به تکنولوژی‌های پیشرفته، بر بزه‌دیده خواهد گذاشت، با سایر موارد متفاوت است، ضمن این‌که منظور از واژه «نمایش» بایستی صراحتاً مشخص گردد که آیا مراد اجرای محتویات است یا در معرض نمایش قرار دادن آن؛ که با توجه به ترتیب چیدمان اصطلاحات، به نظر می‌رسد معنای دوم مد نظر بوده است، یعنی نمایش ناظر به رفتار اقدام اماکنی مانند سینما خواهد بود.

زیبنده بود قانونگذار با توجه به این‌که کودکان را، صرفاً به عنوان بزه‌دیده ننگریسته و در مواردی آن‌ها را بزه‌کار شناخته، مجازات این گروه سنی را به قانون مجازات اسلامی ارجاع می‌نمود تا این شائبه ایجاد نشود که این گروه سنی نیز همانند اشخاص بالای ۱۸ سال مجازات می‌شوند، هرچند قاضی در مقام تعیین مجازات تعزیری، ابتدا بایستی به قانون حاکم مراجعه تا مطابق فرمول ماده ۱۹ ق.م.ا. به تعیین درجه آن مبادرت و سپس با یکی از مواد ۸۸ و ۸۹ تطبیق و در صورتی که مشمول عنوان حدی است با توجه به سن مرتکب و لحاظ ماده ۹۱ به تعیین اقدامات تأمینی و تربیتی موضوع تبصره ۲

ماده ۸۸ و یا مجازات‌های متناسب با عمل ارتكابی موضوع ماده ۸۹ اقدام نماید.

مطابق بند ۸ ماده ۱۰ قانون مرتکب رفتارهای «واردات، صادرات، تکثیر، انتشار، عرضه، معامله یا بارگذاری محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل که در آن‌ها از اطفال و نوجوانان بهره‌گیری شده و یا حمل و نگهداری آن‌ها به یکی از مجازات‌های درجه ۶ ق.م.ا» محکوم می‌شود.

موضوع رفتار این بند، آثاری است که در آن از طفل یا نوجوان استفاده شده و هر کسی اعم از اشخاص بالای ۱۸ سال و کم‌تر می‌تواند مرتکب این رفتار گردد. با لازم‌الاجرا شدن قانون، بایستی به تخصیص قوانین جاری مربوط نسبت به کودکان نظر داد.

همچنین منظور، هر اثر تولیدشده از کودکان، بایستی همه مصادیق آثار اعم از فیزیکی و کامپیوتری یا مجازی، همچنین آثار تولیدشده در داخل و خارج از کشور را شامل گردد، ولی با توجه به این‌که کلام مقنن در این بند نشان از جرم‌انگاری تولیدات آثار هرزه‌نگاری کودکان دارد، مشخص نیست، چرا با توجه به تفاوت تعاریف هرزه‌نگاری، مستهجن و مبتذل، در این بند از هرزه‌نگاری سخنی به میان نیاورده است.

و این‌که «از اطفال و نوجوانان بهره‌گیری‌شده» دلالت بر تصاویر شبه‌کودک که در آن از کودک واقعی استفاده نشده، بلکه با استفاده از فناوری‌های مدرن، کودکی فرضی به تصویر کشیده شده، موضوع اثر قرار نمی‌گیرد.

نکته قابل تأمل، بحث اثبات سن فرد در تصویر است که باید با توجه به تجارب کشورهای دیگر از یک اماره یا فرض قانونی استفاده می‌شد، با این وجود، مقام قضایی با توجه به دوگانگی نظام کیفری در خصوص اشخاص بالاتر و کم‌تر از ۱۸ سال، بایستی درصدد احراز سن شخص واقعی یا تخیلی درگیر در اثر برای انطباق با هریک از مقررات موضوعه باشد و یا از هر روشی که به احراز واقع کمک می‌کند، مانند استفاده از کارشناس، بهره برد.

نگهداری نیز شامل کلیه آثار، اعم از فیزیکی مانند عکس و فیلم‌ها به سبک سنتی یا مجازی است که مکان نگهداری با توجه به نوع اثر متفاوت است.

بعضی مصادیق این بند، با ماده ۷۴۲ ق.م.ا. در خصوص جرائم رایانه‌ای، یکسان است. مواردی چون انتشار، توزیع و معامله که بدون توجه به هدف و انگیزه مرتکب، جرم‌انگاری شده که مجازات موضوع این بند در مقایسه با اختیار قاضی در ماده ۷۴۲ از حیث توانایی صدور حکم به حبس و جزای نقدی، خفیف‌تر است، در حالی که چنین سیاستی با حمایت افتراقی از کودکان و آسیب‌پذیری آن‌ها، در تعارض می‌باشد، به خصوص که مجازات‌های تعزیری درجه ۶ از تنوع گسترده‌ای نسبت به سایر درجات برخوردار بوده که به نظر می‌رسد بازدارندگی آن در برخی موارد کم‌اثر باشد.

در مورد جرم انگاری «نگهداری» آثار فوق نیز، قسمت دوم ماده ۷۴۲ ق.م.ا. (تعزیرات) مقید به «قصد تجاری یا افساد» گردیده است، یعنی «چنانچه شخصی به قصد استفاده شخصی (و نه تجارت یا به فسادکشیدن دیگران) اقدام به نگهداری این محتویات کند، عملش بر اساس ماده فوق قابل مجازات نخواهد بود» (۱۰)، در حالی که با توجه به فلسفه حاکم بر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، بایستی بند ۸ ماده ۱۰ در این قسمت را مخصص ماده ۷۴۲ ق.م.ا. (تعزیرات) دانست، به این ترتیب که با اطلاق بند ۸، انگیزه و قصد مرتکب، تأثیری در وصف مجرمانه نخواهد داشت و نگهداری آثار مستهجن و مبتذلی که در آن کودکی درگیر هرزه‌نگاری شده است، مشمول مجازات بند ۸ خواهد شد.

در هریک از حالات فوق، موضوعات مرتبط با کودکان مطابق با لایحه و در مورد سایر اشخاص، قوانین حاکم مانند قانون مجازات اسلامی و یا قانون نحوه مجازات، قابل اعمال هستند.

سوءاستفاده مجازی از کودک در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

بر اساس بند ۹ ماده ۱۰: مرتکب «برقراری ارتباط با طفل و نوجوان در فضای مجازی به منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع به یکی از مجازات‌های درجه ۶ ق.م.ا» محکوم می‌شود.

در صورت تأیید چنین نظری، جرم‌انگاری جدیدی وارد قلمرو جرائم سایبری خلاف عفت و اخلاق عمومی گردیده که عبارت است از تماشای صحنه‌های مبتذل یا مستهجن از کودک در دنیای مجازی که مسائل تبعی خود را، همانند تعیین مرجع صالح به همراه خواهد داشت، هرچند تصور ارتکاب رابطه جنسی نامشروع از طریق رایانه، اگر امکان‌پذیر نباشد تا امروز، امر مشکلی قلمداد می‌شود.

عوامل مشدد مجازات

عوامل مشدد مجازات در ماده ۲۲ این قانون پیش‌بینی شده که به موجب آن: «در موارد زیر مرتکب جرم به بیش از میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات قانونی محکوم خواهد شد:

- مرتکب جرائم موضوع مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ این قانون از افرادی باشد که سمت ولایت، وصایت، قیمومت یا سرپرستی دارد یا به هر نحو مراقبت و نگهداری از طفل و نوجوان بر عهده او می‌باشد.

- مرتکب از کم‌توانی ذهنی یا جسمی طفل و نوجوان در جرائم موضوع مواد ۸ تا ۱۶ این قانون سوءاستفاده کرده باشد.

- در صورتی که مرتکب به صورت مکرر مرتکب جرم علیه طفل و نوجوان شده باشد.

منظور از کم‌توانی جسمی در بند «ب» این ماده نیازمند توضیح منطقی است که کدام‌یک از کودکان، کم‌توان جسمی محسوب می‌شوند تا در صورت ارتکاب جرم علیه آن‌ها، موجب تشدید مجازات باشد، ظاهراً قاضی باید معیار شخصی را با توجه به نوع جرم ارتكابی مد نظر قرار دهد و یا از هر امکانی در این راستا بهره برد تا بر مبنای آن به تشدید مجازات مبادرت نماید. به نظر می‌رسد می‌توان اطفال زیر ده سال را نوعاً کم‌توان جسمی فرض نمود. همچنین با توجه به بار حقوقی عبارت «سوءاستفاده» می‌توان چنین امری را در مورد اطفال و حتی بعضی از نوجوانان، مفروض دانست.

اصطلاح «مکرر» نیز با ادبیات تقنینی ما نامأنوس است، هرچند به نظر می‌رسد از حیث حقوقی، مراد، تکرار جرم باشد. واژه «مکرر» از لحاظ تعداد دفعات، می‌تواند تأکید بیشتری از

سؤال متبادر به ذهن این‌که بند مذکور با کدام یک از تقسیم‌بندی‌های روسپیگری یا هرزه‌نگاری مرتبط است؟ با توجه به ترتیب چیدمان بندهای ماده ۱۰ که از بند ۵، با هرزه‌نگاری ارتباط دارد، بایستی ناظر به این رفتار باشد.

به نظر می‌رسد آزار جنسی با رابطه نامشروع تفاوت دارد، زیرا این دو اصطلاح با کلمه «یا» متمایز شده‌اند. سؤال این است که آیا جرم‌انگاری این پدیده جدید با گرومینگ موضوع بعضی قوانین خارجی منطبق است؟ در تعریف این پدیده آمده: «گرومر (Groomer) شخصی است که در ارتباط آنلاین با کودک با ارسال محتویات پورنوگرافی و اطمینان‌دادن به آن‌ها که این امری طبیعی است، حضور می‌یابد (۳)، آیا ارتباط جنسی در فضای مجازی مد نظر است؟ یا فضای مجازی وسیله ارتکاب جرم است و عاملی مشدد؟

در زمینه استثمار و سوءاستفاده جنسی «گرومینگ» نام مختصر برای درخواست از کودکان برای اهداف جنسی است. «گرومینگ - گرومینگ آنلاین» به فرایند ایجاد - برقراری ارتباط با یک کودک به تنهایی (فی‌نفسه) یا از طریق استفاده از اینترنت یا سایر فناوری‌های دیجیتال به منظور سهولت برقراری ارتباط جنسی آنلاین یا آفلاین با آن شخص اشاره می‌کند (۹).

مطابق بند ۲ ماده ۱۰ قانون، مرتکب «سایر آزارهای جنسی تماسی به مجازات حبس درجه ۶» محکوم می‌شود که برخلاف بندهای ۱ تا ۴ آن، منظور تفکیک آزارهای جنسی تماسی و غیر تماسی و احاله به یکی از بندهای فوق نبوده و نیز با توجه به عبارت صدر بند، مبنی بر «برقراری ارتباط ... در فضای مجازی»، ظاهراً منظور سوءاستفاده در فضای مجازی است که علی‌الظاهر لطمه کم‌تری به کودک می‌رساند، وگرنه نوع وسیله نه‌تنها نمی‌توانست تأثیری در میزان مجازات داشته باشد، بلکه به دلیل استفاده از این تکنولوژی پررمز و راز و عنصر فریب که در این قبیل موارد مستتر به نظر می‌رسد و احتمال دستگیری کم‌تر مرتکب، بایستی شاهد واکنش کیفری شدیدتری می‌بودیم، زیرا مجازات این بند، اختیاری و زیرمجموعه درجه ۶ بوده که حاوی پرچم‌ترین مجازات بین درجات تعزیری است.

«تکرار» جرم داشته باشد که شامل نوبت دوم ارتکاب بعد از محکومیت می‌گردد.

به هر جهت بایستی در انتظار اجرای این قانون ماند تا آثار مثبت و احیاناً منفی آن و اساساً ضرورت فلسفه وضع آن در سیاست تقنینی کشورمان هویدا گردد.

ممکن است اشخاص زیر ۱۸ سال مرتکب چنین جرائمی شوند، در این صورت به حکم ماده ۲۳ قانون: «در صورتی که مرتکب جرائم موضوع این قانون، نوجوان باشد، موارد تشدید مجازات نسبت به وی اعمال نمی‌شود.» از دیدگاه مقنن در این ماده، ارتکاب جرم توسط طفل منتفی بوده است، در صورتی که قانون مجازات اسلامی برای اطفال مرتکب جرائم حدی، اقدامات تأمینی و تربیتی پیش‌بینی نموده است (تبصره ۲ ماده ۲۲۱ و تبصره ۲ ماده ۸۸).

میزان مطابقت تلاش و همدستی هرزه‌نگاری در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با پروتکل

در حالی که پروتکل الحاقی بر مجازات کلیه فرایندهای رفتار مجرمانه علیه کودکان در هر مرحله‌ای خواه شروع به جرم و مشارکت یا معاونت در آن به مبارزه برمی‌خیزد؛ گفتنی است به موجب سیاست تقنینی کشورمان در خصوص مجازات شروع به جرائم تعزیری با توجه به ماده ۱۲۲ ق.ا. ۱۳۹۲، تنها جرائمی که مجازات آن‌ها حبس درجه ۱ تا ۵ باشد، قابل اعمال است، بسیاری از رفتارهای مجرمانه مرتبط با هرزه‌نگاری که واجد جنبه تعزیری است، آغازکننده جرم، به اعتبار قرار نگرفتن مجازات وی در یکی از بندهای ماده ۱۲۲ و یا به شیوا سخن، فقدان وصف قانونی، قابل پیگرد و مجازات نیست.

در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز تنها بزه مرتبط با هرزه‌نگاری که مطابق قواعد عام مشمول شروع به جرم و مجازات می‌شود، بند ۵ ماده ۱۰ است که مربوط به بهره‌کشی جنسی از طفل یا نوجوان در هرزه‌نگاری است، سایر موارد مشمول شروع به جرم موضوع ماده ۱۲۲ نبوده و با پروتکل مطابقتی ندارد. با این وجود ماده ۱۷ این قانون برای عدم گزارش شروع به جرائم آن را واجد وصف کیفری دانسته که در جای خود قابل تأمل است.

لازم به ذکر است که پروتکل، شروع به جرم را به صورت مطلق بیان نموده و ظاهراً بین حالت ترک ارادی و غیر ارادی جرم، تفاوتی قائل نشده و این مورد را در حیطه قانونگذاری کشورهای عضو نیز قرار نداده است.

قانونگذار ایران، با ایجاد تفاوت بین این دو حالت، ظاهراً قصد تشویق مرتکب شروع‌کننده عملیات اجرایی به ترک آن را با ارفاق عدم شمول مقررات کیفری شروع به جرم داشته است (ماده ۱۲۴ ق.ا.م.). این سیاست تقنینی به نظر می‌رسد با بهترین منافع کودک، همسو باشد، چراکه مرتکبی که در هر حال خود را مستوجب مجازات بداند، احتمالاً اتمام جرم را بر ترک آن ترجیح می‌دهد.

مقررات شرکت در جرم به عنوان یک معیار کلی در ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی پذیرفته شده و مجازات فاعل مستقل را برای آن پیش‌بینی نموده است. در خصوص هرزه‌نگاری، امکان تحقق مشارکت، شدنی است. تهیه، تولید، عرضه، انتشار، واردات، صادرات و سایر مصادیق، همان‌گونه که از طریق «مباشرت» در ارتکاب جرم قابل تحقق است، مداخله بیش از یک نفر در عنصر مادی رفتارهای مجرمانه فوق نیز، امکان‌پذیر است. بنابراین از این حیث قوانین ایران با پروتکل منطبق است.

در خصوص معاونت در ارتکاب جرم نیز مواد ۱۲۶ و ۱۲۷ ق.ا.م. شرایطی ذکر نموده و قانونگذار قصد تسری مجازات معاونت به کلیه جرائم تعزیری را داشته است، لیکن با توجه به بند «ت» ماده ۱۲۷ عملاً امکان اجرای مجازات به جرائم تعزیری درجه ۸ منتفی است. بر اساس بند «ت» ماده ۱۲۷، مجازات معاون «در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی» خواهد بود، با توجه به این که امکان تعیین یک یا دو درجه پایین‌تر از درجه ۸، امکان ندارد، بنابراین در مواردی مانند بند ۶ ماده ۱۰ (در دسترس قراردادن یا ارائه محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل) که از نوع درجه ۸ است، لیکن مفهوم این بند، خود از مصادیق معاونت قلمداد می‌گردد که در قالب بزه مستقل پیش‌بینی شده است.

نتیجه‌گیری

۱- در مقام پاسخ به جهانی‌شدن پدیده هرزه‌نگاری کودک که با مدد فضای مجازی به جولانگاه سقوط اخلاقی تبدیل گردیده، پروتکلی به کنوانسیون حقوق کودک در سال ۲۰۰۰ الحاق گردید که با تصویب حداکثری دولت‌های عضو جامعه بین‌الملل مواجه شد که به موجب آن، دولت‌های عضو برای مبارزه‌ای جامع و فراملی در برابر عاملان هرزه‌نگاری کودک به جرم‌انگاری آن و شمول آن به استفاده از کودکان در مصادیقی چون تهیه، تولید، اجرا، واردات، صادرات، مالکیت، عرضه، انتشار محتویات هرزه‌نگارانه، در دسترس قرار دادن و پیش‌بینی مجازات‌های متناسب با این رفتارها بپردازند. از مهم‌ترین دستاوردهای این سند مهم بین‌المللی ایجاد دیدگاه بزه‌دیدگی کامل به کودک می‌باشد.

۲- در سیاست تقنینی ایران نسبت به هرزه‌نگاری و حمایت جامعه در برابر آثار ناشی از این رفتار مجرمانه، تمهیدات زیادی در قالب قوانین پراکنده پیش‌بینی شده است. آخرین اراده قانونگذار ایران در خصوص دفاع از کودکان نسبت به آسیب‌دیدگی‌شان در برابر استثمار جنسی، در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ مجلس شورای اسلامی، منعکس گردیده است. در این قانون که به نظر می‌رسد هدف از آن تجمیع مقررات حمایتی از کودکان در کلیه ابعاد به ویژه هرزه‌نگاری از آن‌ها بوده، از واژه «هرزه‌نگاری» برای اولین بار استفاده شده و در بعضی مصادیق به مجازات‌های منعکس در قوانین جاری به عنوان نمونه قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز می‌نمایند، نظر داده است که اولاً این امر به معنای استمرار پراکندگی قوانین ناظر بر هرزه‌نگاری کودک بوده؛ ثانیاً در حالی که با مراجعه به این قانون صرفاً برای عوامل اصلی تولید آثار مستهجن در صورتی که از مصادیق مفسد فی الارض باشند، قائل به جرم‌انگاری شده و در صورتی که مشمول این عنوان نگردند، مجازاتی پیش‌بینی نشده است و حتی با دقت در تبصره ۳ ماده ۳ قانون فوق‌الذکر نیز به نظر می‌رسد حداقل، رفتار مجرمانه استفاده از صغار در نمایش آثار، فاقد هرگونه پیش‌بینی مجازاتی است، حال چگونه در قانونی که

هدف از آن حمایت ویژه از کودکان است، به مقرره‌ای حکم داده می‌شود که در بعضی مصادیق، فاقد جرم‌انگاری و ضمانت اجرایی است.

همچنین با توجه به مجازات‌های پیش‌بینی‌شده در این مصوبه و بعضی قوانین، در بعضی مصادیق، مرحله شروع و نیز معاونت در ارتکاب آن‌ها منتفی است. بنابراین از این حیث نمی‌توان به مطابقت کامل قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با پروتکل نظر داد، اما نکته اصلی این‌که، با توجه به هدف اصلی از تصویب جهانی پروتکل که حمایت از کودک به عنوان بزه‌دیدگی مطلق و عدم جرم‌انگاری و شمول مجازات علیه او می‌باشد؛ در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، همانند قوانین جزایی قبلی، با توجه به نگرش دوسویه «بزه‌کار - بزه‌دیده» در رفتارهای توأم با رضایت اشخاص بالغ زیر ۱۸ سال، آن‌ها را مشمول مجازات می‌داند و تنها تشدید مجازات را در مورد آنان منتفی می‌سازد.

به نظر می‌رسد اجماعی جهانی در خصوص حمایت از کودکان در برابر بهره‌کشی جنسی شکل گرفته، یعنی عدم توجه به رضایت این گروه سنی در برابر رفتارهای مجرمانه ناشی از آن، که متأسفانه مورد پذیرش سیاست کیفری کشور ما قرار نگرفته است. از این منظر هماهنگی با پروتکل در مقررات موضوعه ما دیده نمی‌شود.

به شیوا سخن با توجه به جهانی‌شدن حمایت کیفری از کودکان در خصوص هرزه‌نگاری، سیاست کیفری کشور ما با تعهد بین‌المللی با الحاق به آنکه معنایی جز پذیرش مفاد آن و همسوسدن با جامعه جهانی در ریشه‌کن کردن پدیده هرزه‌نگاری ندارد، انطباقی دیده نمی‌شود، چراکه انطباق با این سند مهم، زمانی معنا پیدا می‌کند که کودک موضوع اسناد بین‌المللی (طفل و نوجوان نظام حقوقی ما) بزه‌دیده مطلق رفتارهای ناشی از بهره‌کشی قلمداد و همه نوع حمایتی در قالب جبران آلام ناشی از بزه‌های مصرح و مبارزه با تقاضای بهره‌کشی از این گروه سنی صرفاً در قالب مجازات بهره‌کش از کودک معمول گردد. در واقع بایستی، به کودک در هر حالتی از رفتار هرزه‌نگاری به عنوان موضوع استثمار نگرسته و مطلقاً با ضمانت اجرای کیفری رو به رو نگردد. به زعم ما تنها در این

حالت می‌توان به انطباق قوانین یک کشور با تعهد بین‌المللی‌اش در قبال پروتکل، سخن گفت.

از این رو پیشنهاد می‌شود: با توجه به این که اجماع جهانی دایر بر این استوار گردیده که استثمار جنسی علیه انسان به ویژه کودکان علی‌رغم اراده واقعی آن‌ها صورت می‌پذیرد، بر همین مبنا پروتکل، نگرش بزه‌دیدگی مطلق به کودکان داشته، دولت ایران نیز به عنوان یکی از پذیرندگان این سند مهم بین‌المللی حقوق بشر کودک به تأسی از پروتکل، اراده اشخاص زیر ۱۸ سال در هرزه‌نگاری را مفقود و به عنوان موانع مسئولیت کیفری پیش‌بینی نماید.

با توجه به مطالب اشاره شده، به ویژه این که در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با احاله به قوانین حاکم که دارای قواعد مشترک بین کلیه گروه‌های سنی است، بعضاً مجازاتی پیش‌بینی نشده تا با فرمول ارائه‌شده این مصوبه مجازات شدیدتری مشخص شود؛ قانون مذکور از این حیث نیز دیدگاهی متفاوت داشته و خود مجازات‌هایی متناسب با شأن و کرامت گروه انسانی آسیب‌پذیر علیه ناقضان حقوق آنان برقرار نماید تا به انسجام مقرراتی مربوط به کودکان منجر شود. همچنین میزان مجازات‌ها در حدی باشد که با نظام عام شروع و معاونت در ارتکاب جرم قابل واکنش باشد و یا به عنوان مقررهای مؤخر نظام جدیدی پیش‌بینی تا با پروتکل و هدف الحاق ایران به آن نیز منطبق گردد تا شاید مرتکبان از واهمه مجازات سنگین، از اقدام علیه انسان‌هایی که کودکی‌شان را با رنج و اندوه سخت‌تر از بزرگسالی سپری می‌کنند، خودداری نمایند و به معنای واقعی تنها در دوران کودکی خود، کودکی نمایند.

References

1. Afrooz F. Criminalization-Legal Investigation of Internet Pornography. Tehran: Central Tehran Azad University; 1388. p.195. [Persian]
2. Alipour H. Information Technology Criminal Law. 4th ed. Tehran: Khorsandy Pub; 1395. p.408. [Persian]
3. Astinova M. The Crime of Child Pornography: European Legislative and Police Cooperation Initiatives. Tilburg: Tilburg University; 2013. p.115.
4. Ball T. New Zealand's Regulation of Internet Child Pornography. Doctor of Philosophy in Law. Waikato: Waikato University; 2017. p.321.
5. Barros O. Child prostitution in Thailand. The state as a barrier to its effective elimination, Oslo, faculty of law. Tilburg: Tilburg University; 2014. p.184.
6. ECPAT International. Child Pornography: An International Perspective. Holland: Holland University; 2011. p.62.
7. Gillespie AA. Child Pornography: Law and Policy. Waikato: Routledge; 2011. p.78.
8. Ghodsi Z, Mojtahed Soleimani A. Cybercrime against morality and chastity in family privacy, in particular Pimp and pornographic crime. *Jurisprudence and Family Law* 1389; 2(53): 3-22. [Persian]
9. Greijer S, Doek J. Terminology Guidelines for the Protection of Children from Sexual Exploitation and Sexual Abuse. Bangkok: ECPAT International; 2016. p.150.
10. Mohammadnasl GH. The specific Criminal Law of Computer Crimes in Iran. 2nd ed. Tehran: Mizan; 1395. p.331. [Persian]
11. Nadjafi Abranabadi AH, Khaleghi A, Zeinali AH. Criminal Protection of Children against Sex Tourism - From Global Prohibition to Response to Domestic Penal Systems. *Legal Research* 1388, 2(50): 80-105. [Persian]
12. Neamati Z. Pornography by looking at the law on how to punish those who engage in audiovisual affairs. Tehran: Mizan; 1389. p.236. [Persian]
13. Negahi M. Combating Child Pornography: A Comparative Study of International Documents and Iranian Criminal Laws. *Journal of Criminal Law* 1391; 12(2): 135-159. [Persian]
14. Nouri M. Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the Sale, Prostitution and Pornography of Children and Review of Iran's Accession. *Human Right* 1386; 12(2): 39-56. [Persian]
15. Schulze E. Sexual exploitation and prostitution and its impact on gender equality. Brussels European Parliament. Brussels: Brussels University; 2014. p.194.
16. Suárez-Orozco M, Suárez-Orozco C. The Empire of Suffering: Trafficking of Children in the Global Millennium, Trafficking in Human Beings: Modern Slavery, Workshop 2-3. Paris: Paris University; 2013. p.68.
17. Taylor M. Quayle Ethel, Child Pornography: An Internet Crime. Tilburg: Researchgate Publication; 2003. p.1-12.
18. UNICEF. Handbook on the Optional Protocol on the Sale of Children, Child Prostitution and Child Pornography, Florence UNICEF Innocenti. Paris: Paris University; 2009. p.236.
19. UNODC. Global Report on Trafficking in Persons, United Nations Office on Drugs and Crime. New York: Publisher; 2018. p.561.
20. Available at: <http://www.justice.gov/psc>. 2019.
21. Zeinali AH. Globalization of criminal law in the field of protection of children against victimization. 1st ed. Tehran: Mizan; 1394. p.528. [Persian]